

مثالث شیطان

آن مثالث تا که داخل شد به باغ	هدیه و عیدانه ای آن سفله زاغ
راحله آتش به جان شد ترجمان	ناز نرگس را چو سوسن صد زبان
آمد آن آیینه تا در خانه ات	شعله بر پا شد درون خانه ات
ناز نرگس فتنه ها بر پا نمود	راحله با غنچه افسون ها نمود
آینه از بهر هر زیبا صنم	بحر ادبار است و چاه و رنج و غم
ساده دل را آینه اغوا کند	صد دراز محنت به دل ها وا کند
آینه دروازه بان رنج هاست	سارق مکّار چار و پنج هاست
آینه ای کاش در عالم نبود	دیگر اندر لوج دلها غم نبود